

Review:

The purpose of this study is to answer the main question of the research (What changes have taken place in the administrative organization of the time of the Prophet (PBUH) up to the year 40 AH?). The findings of this study, which has been done in a descriptive-analytical manner and using a theoretical framework (integration of Arab bureaucracy and administrative organization with Iran, Rome-Greece, and Islamic governments), show the establishment of administrative organizations in early Islam since the formation of the Islamic government by the Prophet (PBUH) was formed especially in Medina, then during the period of the Rashidun caliphs, the development of the texture. The administrative system of the Prophet (PBUH) consisted of: secretaries and scribes (secretary of epistles, secretary of tribute (finance), secretary of the IRGC, secretary of the guard and secretary of the judiciary), secretaries, governors of regions, Hashem and special entourage, scouts and advisers, Ambassadors and religious positions. In the time of Abu Bakr, the treasury was established. Omar was the first Muslim ruler to establish a court in Islam. The court of tribute or resignation and the court of the army were established during his time. In the Ottoman period, for the first time, a system of selection of agents was established. In the period of Imam Ali (AS), the administrative organization was based on justice. In this regard, Beit al-Qasas (Court of Injustices), the prison and the Archives of Documents and the Court of Aristocracy were established.

Keywords, Administrative Organization,

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.284386.1689>

بررسی تحولات تشکیلات اداری عصر پیامبر(ص) تا سال ۴۰ هجری قمری (با تکیه بر سرزمینهای خلافت شرقی)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

علی اکبر ارجمند منش^۱

ابراهیم خراسانی پاریزی^۲

ایرج جلالی^۳

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر پاسخ به سوال اصلی پژوهش (تشکیلات اداری عصر پیامبر(ص) تا سال ۴۰ هجری قمری چه تحولاتی در برداشته است؟) است. یافته های این پژوهش که به شیوه توصیفی تحلیلی و با استفاده از چارچوب نظری (تلفیق دیوان سالاری و تشکیلات اداری اعراب با ایران، روم- یونان، و دولت های اسلامی) انجام شده است، نشان می دهد ایجاد سازمانهای اداری در صدر اسلام از زمان تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر(ص) مخصوصا در مدینه شکل گرفت سپس در دوره خلفای راشدین توسعه یافت. نظام اداری پیامبر(ص) عبارت بود از: دبیران و کاتبان(دبیر رسائل، دبیر خراج(امور مالی)، دبیر سپاه، دبیر نگهبانی و دبیر قضا)، صاحب سر، والیان مناطق، حشم و اطرافیان خاص، تقیبان و مشاوران، سفیران و مناصب دینی. در دوره ابوبکر نهاد بیت المال تاسیس شد. عمر نخستین حاکم مسلمانی بود که دیوان را در اسلام تشکیل داد دیوان خراج یا استیفا و دیوان جیش در زمان وی تاسیس شدند. در دوره عثمان برای نخستین بار نظام گزینش کارگزاران ایجاد گردید در دوره امام علی(ع)، تشکیلات اداری بر پایه عدالت بنیان گرفت. در همین راستا بیت القمصص.(دیوان مظالم)، زندان و اداره بایگانی اسناد و مدارک و دیوان اشراف ایجاد گردید.

واژگان کلیدی، تشکیلات اداری، صدر اسلام، پیامبر(ص) خلفای راشدین، امویان.

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت^۱

استادیار تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی بافت(نویسنده مسنول)
e.khorasaniparize@gmail.com

استادیار تاریخ ایران اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت-^۳

مقدمه:

تشکیلات اداری در طول تاریخ ابزار عمده حکومت‌ها برای کنترل جامعه بوده است، و سابقه ای چندین هزار ساله دارد. این تشکیلات، نهادهای اجتماعی است که بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای خاص خود، جامعه را هدایت و کنترل می‌کند. این سازمان‌ها معمولاً دارای سلسله مراتب مشخصی در ساختار قدرت هستند که بر حسب حوزه نفوذ و قدرت، در حکومت‌های مختلف متفاوتند.

در این حوزه ویژگیهای شخصیتی و تأثیرات سازمان در حفظ و تداوم قدرت افراد، نقش بارزی دارد. نقش کلیدی مقاماتی چون فرمانروایان این دولت‌ها تحت عناوینی نظیر حاکم، خلیفه و نظایر آن از سویی و مقامات عمده اداری و دیوانسالاری مانند کاتب، مستوفی، صاحب برید، نقیب و... در سوی دیگر، در هر یک از این دولت‌ها مورد نظر بوده است.

تأسیس چندین دولت مستقل با شاخه‌ها و زیرمجموعه‌های گوناگون، به وسیله مسلمانان در دوره صدر اسلام در جزیره‌العرب تولید حجم عظیمی از معارف اداری را در پی داشته است.

از همان آغاز قرن اول هجری، تولید آثار کلاسیک در تشکیلات اسلامی آغاز شد. در منابع متأخر اسلامی، از دولت با عنوان مخزن و از «علم دولت» یاد شده است. این دانش‌ها که بیان‌گر توانایی مسلمانان در اداره تحولات اقتصادی، نظامی، سیاسی، اجتماعی و دینی است، به صورت دیوان‌ها، سازمان‌ها، ادارات و نهادها و مناصب و مشاغل و حرفی است که آن‌ها را اصطلاحاً "تشکیلات اسلامی" نامیده‌اند که با عنوان «النظم الاسلامیة والتراتیب الاداریة» نیز از آن‌ها یاد شده است. (شهیدی پاک، ۱۳۹۳: ۱۲) از این رو بررسی تاریخ تشکیلات اداری اسلامی، از مواد اصلی تحقیقات در حوزه تاریخ و تمدن ملل اسلامی است؛ چرا که توجه علاقمندان نسبت به میراث تاریخی ایران و اسلام باعث بیدار شدن حافظه تاریخی آنها درباره خودکفایی مسلمانان در مدیریت و اداره امور جامعه در دوره شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی خواهد شد.

اداره در معنای دیوان

واژه «دیوان» برگرفته از دوان (dewan) هم ریشه «دبیر» به معنی نویسنده و دبیبی (dipi) فرس باستان باشد که با لفظ سومری dup و عیلامی tuppi و اکدی tuppū به معنی لوحه خطی نیز مرتبط است. همچنین دیوان را کلمه پهلوی و به معنی «اداره» ذکر کرده‌اند که با این تعبیر در دوره ساسانیان در ادارات نظم و ترتیب مناسبی حکمفرما بود (کریستن سن، ۱۳۶۴: ۴۱۵-۴۱۶). اعراب دیوان را از ایرانیان گرفته‌اند که به عنوان فهرست در دوره عمر بن خطاب به کار می‌رفته است (حتی، ۱۳۴۴: ۲۲۱). در گذشته دیوان به معنی اداره، وزارتخانه، دفترخانه، دفتر محاسبه، دفتر عمومی برای ثبت مداخل و مخارج، خزانه داری و دولت به کار می‌رفته است. (قدامه‌بن جعفر، ۱۳۵۳: ۴۵)

دیوان در تشکیلات اداری خلفا و سلاطین کشورهای اسلامی عنوان اداره کل محاسبات کشور و نیز به معنای مطلق اداره و تشکیلات اداری بوده است و در آغاز در نزد مسلمانان برای ثبت و ضبط درآمد و هزینه‌های کشوری به کار می‌رفته است و بعدها بر جمیع

ادارات و دفاتر اطلاق شده است. روسای دیوان‌ها غالباً ایرانی‌اند و وزیر و متولیان و کاتبان از میان شهرنشینان هستند و پایه در میان ایل‌ها و تبارهای ایلی و عشیره‌ای ندارند (انوری، ۱۳۷۳: ۶۷)

تشکیلات اداری در شبه جزیره‌ی عربستان پیش از اسلام

نخستین اقدامات مدنی در شبه جزیره‌ی عربستان در سال ۱۴۰۰ توسط قصی بن کلاب (از اجداد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) شکل گرفت (طبری، ۱۳۵۲: ۵۰۶-۵۰۷). قصی، زندگی شهری را سامان داد. به گفته‌ی یعقوبی، او بیت و امر مکه و حکومت را به دست گرفت. او مشاغل سقایت، حجابیت، سدانت و لواء را تأسیس کرد و «دارالندوه» را بنا نهاد که مانند دیوان مرکزی، محل طرح بسیاری از دعاوی بود و وجود آن محور نوعی نظم در مکه می‌گردید (یعقوبی، ۱۳۵۸: ۲۴۰). از قصی با لقب مُجَمَّع یاد کردند. دارالندوه‌ی او را براساس الگوی دولت شهرهای بزرگ جنوب عربستان که دارای مجالس مشورتی (دارالندوه) یا مزود بوده‌اند، دانسته‌اند گزارش‌های مفصلی که به بررسی احوال شخصیه به ویژه در خصوص ازدواج عربی پرداخته‌اند، حاکی از وجود مؤسسات و ادارات گسترده در این مورد است (علی، ۱۳۸۰: ۵۸۶).

تحولات تشکیلات اداری دوره پیامبر (ص)

وقتی اسلام انتشار یافت بسیاری از افراد قبایل مختلف بدان گرویدند، احداث مسجد یکی از نخستین اقدامات اداری رسول خدا (ص) در مدینه بود که در ماه‌های اول هجرت انجام گرفت. این مسجد نهاد عمومی در جامعه‌ی اسلامی و رکن اساسی از ارکان دولت پیامبر (ص) بود؛ نهادی که شامل همه‌ی فعالیت‌های اداری و آموزشی می‌شد (همان: ۶۹). بعد از بنای مسجد، تدوین قانون اساسی به منظور اداره‌ی نظام سیاسی مدینه و انسجام جمعیت اقدام دیگر پیامبر (ص) بود. (حمیدالله، ۱۳۶۶: ۲۳). این اقدام پیامبر با عنوان میثاق مدینه یا اولین قانون اساسی مکتوب در جهان تعبیر می‌شود. (همان)

تشکیلات اداری عصر پیامبر صلی الله علیه و آله را به طور کلی به دو دسته امضایی و تأسیسی-نسبت به سازمان‌های اداری جزیره العرب و نظام اداری اطراف آن تقسیم کرده‌اند.

نامه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله گونه‌ای از نامه‌های خاص اداری و حکومتی است که از سایر متون عربی هم عصر خود متمایز است؛ یعنی سبک خاصی در نگارش نامه‌های اداری پیامبر صلی الله علیه و آله به سران قبایل و دولت‌های مجاور و افراد وجود دارد که سبکی سیاسی-الهی است و حاکی از چهره سیاسی-الهی دولت ایشان است. (شهیدی پاک، ۱۳۹۲: ۶۰)

سبک اداری و اسلوب نامه‌ها، دو ویژگی خاص درونی و بیرونی نامه را نشان می‌دهند؛ قالب بیرونی نامه‌های پیامبر با واژه‌های «بسم الله الرحمن الرحیم» شروع شده و نامه‌های بدون بسم الله-زاییده آسیب‌های راویان و تلخیص‌های ایشان است (حمیدالله، ۱۳۶۶: ۳۴)

قلقشندی نیز سه شیوه اداری و سه اسلوب نگارش برای نامه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله بیان کرده است [فی الکتب الصادره عن النبی وفیه ثلاثه اطراف (قلقشندی، ۱۳۷۹: ۳۶۵/۶)]

پس از بسم الله، عبارت «من محمد رسول الله إلى صاحب الروم»، «من محمد نبی الله إلى أهل هجر...»، «من محمد عبد الله ورسوله إلى المقوقش...». قلقتندی به نقل گروهی می نویسد ذکر نام گیرنده نامه پس از نامه فرستنده تقلیدی است از روش نامه نگاری پادشاهان ایران (همان)

بعد از این عبارت ها، جمله با «اما بعد» آغاز می شده که در خطبه ها و نوشته های پیش از اسلام میان اعراب رایج بوده است و پس از آن متن کوتاه و ساده نامه پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر می شده و منظور پیامبر صلی الله علیه و آله در قالب این جمله های کوتاه بیان می شده است. صفت مساوات و ایجاد، دارای شیوه ای هماهنگ و در عین حال سبک مستقل و جدیدی است. جنس نامه ها از پوست دباغی شده و پرورده بود و پایان نامه با مهر پیامبر صلی الله علیه و آله ختم می شد و سپس موم و گلِ تر بر آن می نهادند که این مطلب در امور اداری مربوط به پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است. (شهیدی پاک، ۱۳۹۲: ۲۰)

در پژوهش نیز تاریخی به عنوان تاریخ نگارش نامه همراه با نام نویسنده وجود داشت. از دیدگاه طبری این مطلب درست است که ثبت تاریخ در پایان نامه ها از عصر پیامبر صلی الله علیه و آله رایج بوده است؛ زیرا طبری، آغازکننده استعمال و ثبت تاریخ هجری را پیامبر دانسته است (همان) نقش مهرها در نامه های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله «محمد رسول الله» بود که در سه سطر قرار می گرفت؛ در بالا واژه الله، در وسط واژه رسول و در پایان واژه محمد. نامه های پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر در خصوص مسائل اداری مانند اقطاع و بخش ها، امان نامه ها، بیان احکام و مقررات اسلامی و پیمان صلح است. می توان گفت پیامبر صلی الله علیه و آله سبک جدید و مستقلی در نامه نگاری حکومتی ایجاد کرده که خاص دولت رسول خدا صلی الله علیه و آله است (حمیدالله، ۱۳۶۶: ۳۴)

نکته مهم در خصوص ابداع و ابتکار در سازمان تشکیلات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تشکیل امت و تأسیس شهر سیاسی (city) است. رسول خدا پس از گزینش مدینه برای شهری قابل توسعه، به تأسیس سازمان و تشکیلات دولتی در آن اقدام کرد. ایشان با انجام اقدامات اداری مانند پیمان عقبه و معاهده صلح مدینه و مؤاخاه (همان: ۱۱۳) سرشماری نخستین مسلمانان، هسته اولیه و نمونه کوچک جامعه سیاسی را بنیاد نهاد. نظام اداری تشکیل شده توسط پیامبر (ص) بخش های مختلفی را شامل می شد، که عبارتند از:

دبیران و کاتبان:

در جزیره العرب، شاخصه های دیوان خان های وجود نداشت و فقط ایرانیان به خاطر سابقه ی ممتد پادشاهی و حکومت، صاحب چنین جهاز اداری و علوم کتابت بودند؛ لیکن پیامبر (ص) بنا به اقتضائات حکومتی و درک این ضرورت برای نگارش نامه های داخلی و بین المللی، ثبت آمار، گزارش نویسی، کتابت وحی و... دبیرانی را تعیین کرد که از جمله مهم ترین آن ها دبیر رسائل، دبیر خراج (امور مالی)، دبیر سپاه، دبیر نگهبانی و دبیر قضا بودند. (شهیدی پاک، ۱۳۹۲: ۲۲)

ابن عساکر در کتاب تاریخ دمشق خود آورده: «نویسندگان پیامبر (ص)، بالغ بر ۵۶ نفر بودند» (ابن عساکر، ۱۳۷۹: ۳۲۴). پیامبر (ص) کارهای نوشتاری را بین افراد تقسیم کرده بود. امام علی (ع) مسئول نوشتن میثاق های رسمی مانند صلح حدیبیه بود و برخی ابو عمرو را به عنوان کاتب العهود و الصلح نام می برند (ابن اثیر، ۱۳۸۶: ۶۲). زید بن ثابت و عبدالله بن ارقم بن ابی ارقم هم نوشتن نامه ها به پادشاهان و ملوک و رؤسای قبایل را بر عهده داشتند (همان: ۳۰۰). ابن عباس وقایع و گزارش ها را ثبت می کرد و حذیفه بن یمان و دیگران آمار مسلمان ها را می نوشتند (کتانی، ۱۳۸۴: ۱/ ۱۲۹). ضمن آنکه حذیفه آمار محصولات و میوه های حجاز را نیز ثبت می کرد (مجلسی، بی تا: ۲۴۸). ابی بن کعب انصاری نیز از دیگر کاتبان پیامبر (ص) بوده است. مورخان نام برخی از صحابه چون عمرو

بن عاص، خالد بن ولید، معاویه بن ابی سفیان و دیگران (ابن عبد ربه، ۱۳۷۱: ۲۴۴) را به عنوان کاتبان وحی یا نامه‌های پیامبر (ص) ذکر کرده‌اند که با توجه به تاریخ اسلام آوردن آن‌ها و دلایل تاریخی دیگر نمی‌توان آن را صحیح شمرد و جای تأمل دارد (احمدی، ۱۳۶۳: ۲۹).

صاحب سر:

گروهی از صحابه که همواره نزدیک پیامبر (ص) بوده‌اند تا امور شخصی ایشان را انجام دهند؛ دربان و حاجب و صاحب سر، از ابودرداء به عنوان صاحب سر رسول خدا (ص) یاد کرده‌اند.

والیان مناطق:

پیامبر اعظم (ص) در راستای تشکیل نظام اداری، افرادی را به نمایندگی از سوی خود به عنوان والی جهت سرپرستی امور حکومتی مناطق روانه می‌ساخت. آن حضرت وظایف والیان را روشن کرده و آنان را نسبت به اختیارات و مسئولیت‌هایشان واقف می‌گردانید، چنان که وقتی معاذ بین جبل را به سوی یمن فرستاد، در عهدنامه‌ای وظایف او را به عنوان حاکم دولت اسلامی مشخص نمود. صدور و ابلاغ بخش نامه‌های دولتی برای والیان مناطق یکی از اقدامات تشکیلاتی و اداری پیامبر (ص) در جهت تقویت دولت اسلامی بود. وی برای والیان و امیران خود با توجه به منطقه‌ی فرمانروایی هر یک، دستورها و راهنمایی‌هایی داشت. دستورالعمل‌های صادر شده از سوی حضرت، شامل مواد و موضوعات گوناگونی بود، مانند تعلیم و تذکر برخی از احکام اسلامی، روش اداره امور، شیوه‌ی رفتار با گروه‌ها و فرقه‌های مختلف، بیان مسئولیت‌های حاکم اسلامی و غیره.

پیامبر (ص) علاوه بر نصب والیان و فرمانروایان، افراد دیگری را نیز به عنوان نقیب یا عریف به عنوان رابط خود با قبایل جهت آشنایی کامل بر اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی قلمرو اسلامی انتخاب می‌کرد. در جامعه‌ی آن روز، عریف مسئولیت گردآوری اطلاعات و آگاهی از وضع مردم را در جهت ارائه به حاکم به عهده داشته است و والی از این طریق در امور سیاسی و اجتماعی دخالت و اشراف داشته است (ابن کثیر، ۱۳۹۰: ۲۱۸).

حشم و اطرافیان خاص:

صاحب الکرسی، السقاء صاحب الطهور، صاحب الوساد، صاحب النعلین (همان: ۳۸)، صاحب السواک، صاحب العزّه و صاحب الخُمرة، از مناصب ملحق به مناصبی است که همواره در اطراف پیامبر (ص) حضور داشته‌اند و کارهای شخصی ایشان را انجام می‌داده- اند (همان: ۱۲۰-۱۲۳).

منصب نقیبان

پیامبر اکرم (ص) از منصب نقیب که جایگزین مناسب برای عالی‌ترین و شریف‌ترین مقام در بین قبایل بود، استفاده کرد، نقبا ارتباط منظم و سازمان یافته پیامبر (ص) با قبایل مدینه را برقرار می‌ساختند. بر همین اساس جزئیات مربوط به نظم اسلامی که رسول خدا (ص) در ایام ده سال حکومتشان در مدینه تاسیس نمودند و در آنها در اداره امور استفاده کردند، قابل پیگیری است (شهیدی پاک، ۱۳۹۳: ۴۵).

مشاوران:

پیامبر اکرم (ص) در مدینه از چهارده تن از بزرگان صحابه‌ی خود، اعم از مهاجرین و انصار، مجلسی تشکیل داده بود و از اعضای این مجلس جهت مشورت و مذاکره در امور حکومت و مسائل جاری مسلمانان بهره می‌گرفت. در رأس مشاوران پیامبر (ص)، علی

بن ابی طالب بود که پیامبر(ص)، وظایف یک وزیر را به او می سپرد، هر چند که استفاده از لقب وزیر در آن دوران رایج نبوده است(علیخانی، ۱۳۸۶: ۲۳۱).

سفیران:

پیامبر(ص) در سال هفتم هجری پس از صلح حدیبیه و فراهم شدن امکانات نشر دعوت اسلام در شبه جزیره عربستان و اطراف آن، فعالیت در زمینه روابط بین المللی را آغاز کرد و نمایندگانی را همراه نامه‌هایی که در آن پادشاهان و ملوک را به اسلام و یکتاپرستی دعوت کرده بود، به سوی آن پادشاهان فرستاد. (ابن اثیر، ۱۳۸۶: ۲۱۰).

همچنین رسول خدا(ص) مترجمانی داشت که مسئولیت ترجمه نامه‌های سفیران کشورها و نیز ترجمه در گفتگو بین پیامبر(ص) و هیئتهای وارده را به عهده داشتند. (علیخانی، ۱۳۸۶: ۲۳۸).

تحولات تشکیلات اداری دوره ابوبکر

مجلس صحابه(اجماع)

بعد از رحلت پیامبر (ص) صحابه، اجماع را مهم ترین مستند برای مشروعیت نظام اداری، به ویژه خلافت ابوبکر دانستند. در این اندیشه، قوی ترین و عالی ترین مرتبه از اجماع، همان اتفاق و اجماع صحابه است، زیرا صحابه نسل اول مسلمانان بودند که همراه رسول(ص) زندگی کرده و در جهاد و دیگر اقدامات با آن حضرت مشارکت کرده اند، کردار و گفتار پیامبر را دیده و شنیده اند و به احکام و اسرار اسلام داناترند.(فیرحی، ۱۳۸۰: ۷۷)

ابوبکر نیز در اوایل خلافت خود - که هنوز دولت اسلامی از شبه جزیره عربستان تجاوز نمی کرد. جمعیتی از صحابه (بزرگان صحابه) را دعوت کرده و مقرر کردند در مواردی که خلیفه نص صریحی در قرآن و سنت پیدا نمی کرد، مشاوره و اظهار نظر کنند. (زیدان، ۱۳۷۳: ۳۰)

شورا

شورا مهم ترین اصل نظام اداری ابوبکر است. منظور از شورا تبادل آرا به منظور اتخاذ تصمیم درست در مسائل اساسی جامعه اسلامی است که حکم و نص شرعی درباره آنها وجود ندارد. به نظر بعضی نویسندگان عرب، لفظ ((امر)) در آیه شورا آشکارا نشان می دهد که بیشتر موارد شورا امور حکومتی و اقامه تصمیمات دولت در بین مومنان و اعضای جامعه اسلامی است.(فیرحی، ۱۳۸۰: ۷۸)

خلافت و خلیفه

محمد عبدالقادر ابوفارس، ضمن اشاره به قلمروهای متنوع و متعدد شورا، خلافت و عدالت صحابه را دو رکن اساسی و دو پایه ارزشی نظام حکومتی دوره ابوبکر می داند که در مقابل دو مفهوم امامت و ولایت در نظام سیاسی شیعه طرح شده است. (همان: ۸۰)

منظور از خلافت این است که شخصی از مومنان ریاست دولت اسلامی را به جانشینی از پیامبر(ص) به عهده گیرد. (زیدان، ۱۳۷۳: ۳۰) خلیفه شخصاً سه ((علامت)) اختصاصی داشت که به طور سنتی در تاریخ طولانی خلافت اسلامی حفظ و رعایت می شده است. (فیرحی، ۱۳۸۰: ۷۹)

برده (عبا): منظور عبای حضرت رسول(ص) است که دائماً می پوشید تا این که به کعب بن زهیر شاعر مشهور عرب بخشید. (فیرحی، ۱۳۸۰: ۸۰) خاتم مهری در قالب انگشتر بود که خلیفه ها به تبع پیامبر به همراه داشتند. (خنجی، ۱۳۶۲: ۷۸) عصای خلافت، سومین علامت خلیفه بود که در مراسم رسمی و عمومی به دست می گرفت

تحولات تشکیلات اداری دوره عمر بن خطاب

تقسیم ولایت ها در زمان عمر

وقتی فتح عربستان انجام گرفت پیامبر ولایتداران و امیرانی برای نواحی و شهرهای بزرگ معین کرد، عمر این وضع را حفظ کرد و آن را توسعه داد و ولایتهای مفتوح را به چند قسمت تقسیم نمود تا اداره آن آسان باشد و بتواند بر درآمد آن نظارت کامل داشته باشد. از جمله این ولایات عبارتند از:

ولایت اهواز و بحرین، سیستان و مکران و کرمان، طبرستان، خراسان، عراق(بصره و کوفه)، شام، فلسطین، افریقیه (حسن ابراهیم، ۱۳۷۳: ۱۰۱).

نخستین دیوان

همه منابع متفق اند که عمر، خلیفه دوم، اول کسی بود که در دولت اسلامی "دیوان" را بنیان نهاد (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۱۷-۱۸). طبری در حوادث سال ۲۰ هجری (دوم، ۳۶۶) از قول واقدی نقل می کند که عمر دیوانها را در این سال تدوین کرد، اما در حوادث سال ۱۵ هجری (دوم، ۳۰۷) فصل کوتاهی درباره تعیین مقرری و تدوین دیوان دارد که نشانگر ترجیح سال ۱۵ بر سال ۲۰ از سوی اوست. (طبری، ۱۳۵۵: ج ۱: ۲۲) ابن طباطبا هم در تاریخ فخری سال ۱۵ هجری را سال تأسیس دیوان می داند. (ابن طباطبا، ۱۳۶۰: ۴۴۵) مقریزی نیز درباره سال تدوین دیوان دو قول ذکر کرده است: سال ۱۵ را از قول کلبی و سال ۲۰ را از قول ابن سعد و در ترجیح یکی بر دیگری ساکت است. از طرف دیگر اکثر منابع برآنند که دیوان در پی یکی از دو واقعه زیر تدوین شده است: یکی آوردن اموال فراوانی از بحرین به مدینه از سوی ابوهریره، و دیگری پیشنهاد هرمان (یا فیروزان) به عمر درباره ثبت آمار جنگجویان و نوشتن مقرری آنان در دفتری ویژه، آنجا که می گوید: از شمار زیادی از علمای مدینه شنیدم که گفتند وقتی که جنگجویان عراق از جانب سعد وقاص بر عمر بن خطاب وارد شدند، وی با اصحاب درباره تدوین دیوان رایزنی کرد (بلاذری، ۳۸۸: ۱: ۴۴۰؛ ابن خلدون، ۱۳۶۹: ۲۴۴)

دیوان الرسائل (دبیرخانه)

بعد از آن، دیوان الرسائل (دبیرخانه) بزرگ ترین و مهم ترین دیوان در عصر عمر بود که فرامین نظامی در آنجا ثبت گردید. احکام روزانه ی دربار و وزیر جنگ توسط این دیوان به مرحله اجرا گذاشته شد. تمامی اسناد و مدارک نظامی دولتی در این دیوان

نگهداری می گردید و این دیوان، از نظر ارزش کار، از حساسیت فوق العاده ای برخوردار بود. چنان که گفته شد، صدر این دیوان ایران دبیربذ بود که بعد از اسلام نیز همچنان نام خود را حفظ کرد. رئیس دیوان رسائل همواره تعدادی دبیر تحت اختیار خود داشت که فرمان ها و نامه ها و پاس نامه نظامی را مطابق دستخط، پای نامه ها می نوشتند. (شهیدی پاک، ۱۳۹۲: ۲۴) خوارزمی که خود از دبیران محسوب می شد، چنین می نویسد: "نامه ها را دبیر می نوشت و آن را به نظر دبیربذ می رسانید تا آن را بپسندد و یا کم و زیاد کند." (خوارزمی، ۱۳۴۲: ۴۶).

تاسیس دیوان خراج

دیوان خراج یا استیفا در زمان عمر تأسیس شد، زیرا وی خراج کشور فتح شده ایران را بین مسلمانان تقسیم کرد و اسامی گیرندگان خراج را در دیوانی موسوم به این دیوان ثبت نمود. (کتانی، ۱۳۸۴: ۱۴۵)

دیوان جُند

با توجه به کثرت درگیری ها و فتوحات، خلیفه دوم برای آماده نگهداشتن توان رزمی مسلمانان و برخوردار نمودن آنان از غنایم و اموال به دست آمده از ملل مغلوب، درصدد نظم و ترتیب بخشیدن به امر سپاه از طریق ایجاد دیوان جُند برآمد. براساس گزارش های مورخان، هرمزان ایرانی، هنگام تجهیز و اعزام سپاه مسلمانان، به خلیفه دوم گفت: لشکری را تجهیز و تأمین کرده ای؛ حال اگر از جمع آنان، فرد یا افرادی پس از دریافت مبلغ اعطا شده، غیبت کردند و از رفتن و عزیمت سرباز زدند، چگونه شناخته می شوند تا مؤاخذه گردند؟ آیا شایسته نبود که اسامی آنان در دیوانی ثبت گردد تا وسیله ای برای شناخت و کنترل آنان باشد؟ خلیفه درباره ی پیشنهاد هرمزان توضیحاتی خواست و سرانجام دیوانی تشکیل گردید (ابن خلدون، ۱۳۶۹: ج ۱ / ۲۴۴). بنابراین دیوان جند، بر مبنای تشکیلات ارتش ساسانی، توسط عمر تأسیس شد و از آن پس، سپاهیان از سایرین متمایز شدند. عمر، مقرری سپاهیان را براساس دوری و نزدیکی قبایل آنان نسبت به قبیله ی بنی هاشم پرداخت می کرد. اما در مورد سربازان غیر عرب، سابقه در اسلام و میزان خدمت جنگی در نبردها، همچنین سابقه ی خدمت آنان به خلیفه ی وقت در نظر گرفته می شد و در صورت تساوی افراد در این مراتب، درجه ی اطاعت و فرمانبری آنها لحاظ می گردید (ماوردی، بی تا: ۲۵۵-۲۵۶).

یکی دیگر از اقدامات عمر در خصوص سپاه، منع آنان از زراعت در اراضی بود. این عمل احتمالاً به خاطر دل بسته نشدن سپاهیان اسلام به آب و خاک و پایبند نشدن به یک محل بود، چرا که امکان داشت در نقاط دیگری به وجود آنان نیاز باشد و در صورت دل بستگی به محیط، حرکت دادن آنان، ایجاد مشکل می کرد (زیدان، ۱۳۷۳: ۱۲۷).

از دیگر اقدامات عمر در مورد فرماندهان سپاه و سربازان اسلام، منع شدید آنان از اسکان در دره ها و شهرها و احتراز از اختلاط با مردم بومی بود. آنان می بایستی در اطراف شهرها، در مکان هایی به عنوان پادگان یا اردوگاه ساکن می شدند و بر طبق دستور خلیفه، از آب عبور نمی کردند و در نقاطی قرار می گرفتند که از راه خشکی به صحرای عربستان متصل می شد (همان: ۱۱۰). کم کم این اردوگاه ها تبدیل به شهر شدند؛ چنانکه بصره، کوفه و فسطاط به این طریق شکل گرفتند.

تنظیم دفاتر

به دنبال روی آوردن درآمدهای کلان ناشی از فتوحات، عمر برای تصمیم‌گیری در چگونگی تقسیم غنایم مشورت کرد و به سبک نظام مالی ایران و روم دفاتری تنظیم و مردمان را طبقه‌بندی کرد و بدین ترتیب مساوات در تقسیم سرانه بر هم خورد. عمر برای تشکیل دیوان، نسب‌شناسان عرب را که با ریشه‌های قبایل عرب آشنایی داشتند، نظیر عقیل بن ابی طالب، مخزومه بن نوفل و جبیر بن مطعم دعوت کرد تا اسامی افراد را بر اساس رابطه‌ی نزدیکی و دوری با نسب پیامبر(ص) به ترتیب بنویسند و تمامی قبایل را به همین شیوه در دفتر یادداشت کنند، تا بر این اساس، حقوق سالیانه به آنها تعلق گیرد. وی پایه‌ی پرداخت حقوق افراد را، سابقه در اسلام، شرکت در جنگها و فضایل معنوی قرار داد. ابن اثیر در این باره می‌نویسد: «نخست از بخشش به عباس(عموی پیامبر(ص)) آغاز کرد. سپس برای بدریان بخشش ارزانی داشت و پنج هزار، پنج هزار نام برد. سپس رزمندگان پس از بدر تا صلح حدیبیه را چهار هزار چهار هزار نامزد کرد...» (ابن اثیر، ۱۳۸۶: ۱۴۱۸).

نظارت بر عملکرد کارگزاران

عمر بر عملکرد کارگزارانش نظارت داشت و نحوه‌ی برخورد آنان با مردم و نیز با بیت المال را کنترل می‌نمود و هنگام اعزام به محل خدمت، ثروت آنان را ثبت می‌کرد. عمر تقریباً همه‌ی کارگزاران خود را در این باره خطاکار دانسته (ابن سعد، ۱۳۸۴: ۳۳۵ / ۴) و در وقت بازگشت، اموال آنها را دو نیمه می‌گیرد، نیمی را به آنان پس داده و نیمی دیگر را به بیت المال می‌سپرد. این کار را اصطلاحاً مشاطره‌ی اموال می‌گویند. عمر، معتقد بود که آنان این اموال را به ناحق گردآوری کرده‌اند، اما چون راه خاصی برای جدا کردن اموال باطل و غیر باطل نمی‌دانست، اموال آنان را به این صورت تقسیم می‌کرد. عمر و عاص (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷: ۱۷۵ / ۱)، سعد بن ابی وقاص، ابوموسی اشعری، حارث بن کعب و عتبه بن ابی سفیان از جمله کسانی بودند که اموالشان مورد مشاطره قرار گرفت (ابن عبد ربه، بی تا: ج ۱ / ۴۶). بلاذری فهرستی از حاکمانی که چنین برخوردی با اموالشان شد به دست داده است (بلاذری، ۱۳۸۸: ۳۹۶).

تشکیل کادر اداری بر اساس اولویت افراد قبیله قریش

جامعه‌ی عرب در عصر جاهلیت، براساس نظام قبیله‌ای و برتری‌خواهی نژاد عرب بنیان‌گذاری شده بود. در آن نظام، اساس هر پیش و روش، قبیله بود و هم‌پیمانان قبیله. در حالی که پیامبر(ص) آن نظام را در هم شکسته و نظام اداری خود را براساس مساوات و یکسان بودن نژاد بشر بنیان‌گذاری نمود و برای پُست‌های اداری، از همه‌ی گروه‌ها و قبایل استفاده می‌کرد و برای گروه خاصی برتری قائل نبود؛ اما عمر، با در پیش گرفتن سیاست برتری قریش بر سایر قبایل، نظام اداری خود را بر اساس روش و پیش عرب در عصر جاهلیت ترتیب داد و مناصب و مسئولیت‌های مهم را به قریش و هم‌پیمانان قریش سپرد و ریاست ارتش مسلمانان و فرمانداری شهرهای بزرگ اسلامی را به افراد قبیله‌ی قریش واگذار نمود. عمر فرماندهان جبهه‌های ایران، روم و مصر را از میان قریش انتخاب کرد و مراکز مهم قدرت را در مدینه، مکه، شام، کوفه و بصره به قریش غیر از بنی‌هاشم سپرد و انصار را در شهرهای غیر مهم مثل جند، موصل و آذربایجان منصوب نمود (ابن اثیر، ۱۳۸۶: ۵۳ / ۲). عمر درباره‌ی تعیین ابن عباس در پست فرمانداری شهر حمص، مدت‌ها اندیشیده بود و با وجود اطمینان به لیاقت ابن عباس در آن پست، بیم آن داشت که مبادا مرگ او فرا رسد و ابن عباس از ارتش زبردست خود به سود کاندیدای بنی‌هاشم برای خلافت، یعنی علی(ع)، استفاده نماید.

نکته‌ی دیگر در نظام اداری عمر، دور نگاه داشتن انصار از پُست‌های حسّاس بود، مگر در جایی که هیچ فردی از افراد قریش و هم‌پیمانانش برای آن پُست نبود. این سیاست تا آخرین روز حکومت وی ادامه داشت؛ چنان که در شورای شش نفره برای تعیین خلیفه نیز یک نفر از انصار را قرار نداد. (حسین، ۱۳۴۹: ۱۹۷).

انتخاب قضات

در دوران خلافت عمر، در پی فتوحات سربازان اسلام و گسترش قلمرو ارضی حکومت اسلامی، عربها با سایر ملل ارتباط یافتند و ناگزیر باید برای حل اختلافات مسلمانان با بیگانگان، اصولی برقرار می‌شد. از این رو برای نواحی مختلف قاضیانی انتخاب شدند تا براساس قرآن و سنت به حل اختلافات بپردازند (جعفریان، ۱۳۷۷: ج ۱ / ۴۵۴).

عمر شخصی به نام یزید بن اخت النمر را به طور رسمی برای امر قضاء نصب کرد (وائلی، ۱۳۶۷: ۶). سلمان بن ربیع باهلی نیز نخستین شخصی بود که در عراق از جانب عمر داوری می‌کرد. همچنین عمر، شریح بن حارث را قاضی کوفه و کعب بن سور را قاضی بصره نمود (طبری، ۱۳۵۲: ج ۵ / ۲۰۸۶).

تحولات اداری دوره عثمان

طرح گزینش کارگزاران

عمر در وصیت خود از عثمان خواسته بود که اگر در مقام او جای گرفت، تا یک سال از عزل کارگزاران حکومت خودداری کند. به نظر می‌رسد خلیفه‌ی دوم می‌دانست که با رهبری عثمان، قدرت در دست چه کسانی قرار خواهد گرفت. عثمان به وصیت عمر عمل کرد و در طی یک سال اول، تنها مغیره بن شعبه را از حکومت کوفه عزل و سعد بن ابی وقاص را به جای او گمارد. عزل مغیره با دو هدف صورت گرفته بود؛ یکی جلب و جذب سعد و دیگری استفاده از مغیره در اداره‌ی مدینه (ابن اعثم کوفی، ۱۳۹۳: ۳۵۱).

ملاک گزینش کارگزاران عثمان، به طور عمده دو چیز بوده است: قریشی بودن و عضویت در گروه بنی امیه. تنها تعدادی از کارگزاران عثمان، از قریش نبودند؛ آن هم به این دلیل که یا از زمان عمر مانده بودند و یا آن که با فشار اجتماعی انتخاب می‌شدند، مثل ابوموسی اشعری که به جای سعد بن عاص با قیام عمومی مردم کوفه انتخاب شد (همان). حکومت برخی از این افراد نیز در مکان‌های غیر مهم بود؛ مثل حدیفه در ارمنیه.

نظام اداری

به طور کلی دوران حکومت عثمان را می‌توان به دو دوره‌ی شش ساله تقسیم نمود: دوره‌ی شش ساله‌ی اول که در این دوره عثمان دنباله‌رو سیاست حکومت عمر بود ولی با مردم روشی ملایم داشت. و دوره‌ی شش ساله‌ی دوم که در این دوره، عثمان، نظام اداری را به کلی دگرگون نموده و اداره‌ی بخش‌های مختلف را به افراد قبیله‌ی خود (بنی امیه) اختصاص داد. وی، حکومت کوفه را از سعد وقاص، فاتح عراق و ایران گرفت و به برادر شرایخوار خود، ولید عنایت نمود؛ حکومت مصر را از فاتح مصر، عمرو عاص گرفت و به برادر رضاعی خود سعد بن ابی سرح داد و در مورد شهرهای دیگر نیز به همین صورت عمل نمود. همچنین به عنوان

صله‌ی رحم، در بیت المال مسلمانان را به روی اقوام و خویشان‌ش گشود و همچنان تا آخر خلافتش باز گذاشت. بنی امیه در این شش سال به مسلمانان ستم‌ها روا داشتند و هر چند ستم‌دیدگان به خلیفه شکایت می‌بردند، خلیفه آنها را علیه افراد فامیلش نمی‌پذیرفت و شکایت‌کنندگان را با ضرب و شتم سرکوب می‌نمود. اگر چه عثمان در شورای خلافت، به عبدالرحمن بن عوف تعهد سپرد که به سنت پیامبر(ص) و سیره‌ی شیخین عمل کند، اما در عمل، نظام اداری خود را به گونه‌ای ترتیب داد که با نظام اداری مورد نظر پیامبر(ص) بسیار متفاوت بود. او حتی از سیره‌ی شیخین نیز، تجاوز نمود. به این ترتیب نظام اداری که در زمان ابوبکر و عمر، قریشی شده بود، در زمان عثمان اموی شد. این اقدامات به مرور خشم مردم را برانگیخت و آنان را به شورش بر ضد عثمان واداشت (اجتهادی، ۱۳۶۳: ۲۶۶).

عمر خلیفه دوم، در زمان حیات خود قضاوت در مدینه را به علی(ع) سپرده بود و تا سال ۲۴ هجری قمری آن حضرت عهده‌دار قضاوت بود. اما عثمان پس از رسیدن به خلافت، به بهانه‌ی توسعه‌ی شهر، زید بن ثابت را نیز برای قضاوت در کنار آن حضرت قرار داد (ابن جوزی، ۱۳۸۸، ۳/ ۲۳۰).

تشکیلات اداری دوره امام علی(ع)

القاب

بزرگ‌ترین شاخصه خلافت امام علی(ع)، اعطای القاب به خلیفه بوده است. فلقتندی القاب مربوط به خلافت را به چهار دسته تقسیم نموده است: دو لقب عام و دو لقب خاص؛ «عبدالله و امام» دو لقب عام برای همه خلفا در هر زمان و مکان و در هر کار بود.

امام و امیر المؤمنین از القابی بودند که در خلافت امام وارد تشکیلات اسلامی شدند. براساس منابع اهل سنت و همه منابع شیعی، نخستین بار حضرت علی علیه السلام به امیر المؤمنین ملقب شده است

دولت‌های مستقل و نیمه مستقل در حوزه ایرانی، رومی، ترکی، عربی و بربری تحت نفوذ و پوشش خلافت اسلامی، از القاب نیمه اسلامی و نیمه بومی خود استفاده کرده‌اند؛ از جمله آل بویه که از القاب تشریفاتی سلطنتی ایرانی، مانند شاهنشاه، و القاب افتخاری همچون سلطان السلاطین استفاده می‌کردند. سلجوقیان نیز از القاب افتخاری یمین، امیر المؤمنین، برهان امیر المؤمنین، قاسم امیر المؤمنین و القاب سلطان استفاده می‌نمودند (باسورث، ۱۳۷۰: ۱۵۵)

اصلاح دستگاه اداری

در زمان امام علی(ع)، به خاطر این که در زمان خلیفه پیشین، بسیاری از کارگزاران حکومتی، در باتلاق فساد فرو افتاده بودند و کارها از جاده اعتدال خارج شده بود، امام به گونه گسترده، دست به برکناری کارگزاران زد.

بسیاری از ناهنجاریها بود که امام با آنها از آغازین روزهای حکومت، روبرو بود. برتریهای ناروا، بیت المال تاراج شده و تاراج گران حاکم، بخششهای بی شمار و... مردمی که علیه این نابسامانیها شوریده بودند و یا طعم تلخ تبعید و شکنجه را چشیده بودند

و... اکنون از علی(ع) انتظارهایی داشتند. این، افزون بر آن انگیزه قوی و ژرفی که خود حضرت درباره اصلاح امور داشت. حضرت از تاراج بیت المال، از برتری دادن ناشایستگان بر دیگران و گماردن آنان بر پُستهای کلیدی و تبعید و شکنجه مخالفان این رویه نادرست، مانند عبدالله بن مسعود، عمار یاسر، ابوذر غفاری و زیدبن ارقم، به خوبی خبر داشت و این زخم کهنه و آزار دهنده را بر چهره نظام اسلامی می دید از این روی، از آغازین روزها، آهنگ زیر و زبر کردن ساختار اداری را در دستور کار قرار داد (ذاکری، ۱۳۷۹: ۶۶) که اکنون برای روشن تر شدن موضوع، به چند نمونه از خلاف کاریها و ناهنجاریهای اداری، که سبب شد حضرت پیش از هر حرکتی، به اصلاح ساختار اداری بپردازد، اشاره می کنیم :

استفاده ی بجا از بیت المال:

گماردن افراد لایق، بر پُستها:

منع آزادی بی قید و شرط کارگزاران:

مخالفت با تبهکار(همان)

راههای اصلاح اداری، در سیره امام(ع)

امام علی(ع) دو راه را برای اصلاح دستگاه اداری در پیش گرفت: راهی کوتاه مدت و راهی دراز مدت. در کوتاه مدت، نیروهای ناشایست را بر کنار کرد و شایستگان را بر کار گمارد و برای دراز مدت، طرح نو برای ساختار اداری، پی افکند. (نهج البلاغه، ۱۳۷۵: ۷۵)

دیوان مظالم(بیت القصر)

بیت المظالم یا دیوان مظالم، دیوانی بود که وظیفه‌ی آن رسیدگی به اعمال ظالمانه‌ی حکام، امرا و رجال دولتی بر رعایا بود که قضات در حل آن مراعات و منازعات باز می ماندند و یا آن که مدعیان، داوری آنها را نمی پذیرفتند(شمس الدین، ۱۳۷۵: ۵۳۷). بنیان گذار تشکیلات بیت المظالم، امام علی(ع) بود که برای رسیدگی به دعاوی، خانه‌ای را در مدینه به این کار اختصاص داد و آن را دیوان مظالم نامید و از مردم خواست تا شکایت‌های خود را در نامه نوشته و برای رسیدگی به درون آن خانه بپندازند. آن حضرت خود، نامه‌ها را مطالعه و بررسی می کرد تا حق کسی ضایع نشود و کرامت هیچ فردی زائل نگردد(کتانی، ۱۳۸۴: ۲۶۸). امام با تأسیس بیت المظالم می خواست در جریان تمامی دعاوی و شکایات مسلمانان از امور حکومتی و رفتار عاملانش قرار بگیرد. همچنین اگر کسی به رأی صادر شده از طرف قاضی شکایت داشت، به مقام بالاتر آن قاضی، یعنی امام(ع) مراجعه می کرد و امام رأی قاضی را مورد بررسی قرار داده و در صورت غیر عادلانه بودن حکم، آن را اصلاح نموده و حکم عادلانه را صادر می فرمود. بنابراین، بیت المظالم، در زمان امام علی(ع)، به منزله‌ی دادگاه تجدید نظر امروزی بوده است(موسوی، ۱۳۸۹: ۱۶۸).

ساختن زندان با سقف

بزهکاران، تا پیش از ساختن زندان با سقف، در اذیت بودند و از گزند سرما و گرمای شدید در عذاب، تا این که امام، زندان با سقف ساخت و از اذیت و فرار آنان جلوگیری کرد. (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷: ۵۵/۶)

بنیان گذاردن اداره بایگانی اسناد و مدارک.

تاسیس دیوان اشراف

دیوان اشراف که «دیوان السر» و «دیوان اسرار» هم نامیده میشود و امروزه با وزارت اطلاعات و امنیت کل کشور مطابقت دارد، دیوانی است که وظیفه بازرسی در امور دیوانی، و به ویژه امور مالی و استیفا و در مواقعی هم جاسوسی را بر عهده دارد.

رئیس دیوان اشراف، مشرف نام داشت که نمایندگانی را به بخش مختلف های میفرستاد تا بازرسی را انجام دهند و خود نیز امور دربار را زیر نظر داشت. خواجه نظام الملک در این باره میگوید: "کسی که بر وی اعتمادی تمام است او را اشرف فرمایند، تا آنچه به درگاه رود، او میداند و به وقتی که خواهند و حاجت افتد، مینماید و این کس باید که از دست خویش به هر ناحیتی و شهری نایی فرستد، سدید و کوتاه دست تا اعمال و اموال تیمار میدارد و آنچه رود، از اندک و بسیار، به علم ایشان باشد" (نظام الملک، ۱۳۶۰: ۹۲)

گزینش و تعیین عاملان

حضرت علی علیه السلام عاملان خود را از انصار که دارای شاخص های اخلاقی و سیاسی نزدیک به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله انتخاب کرد و شمار قابل توجهی از آنان را وارد صحنه اداری خلافت کرد؛ ابوقتاده انصاری و الی مکه، ابویوب انصاری و الی مدینه، ثابت بن قیس و الی مدائن؛ (یعقوبی، ۱۳۵۸: ۱۷۹/۲) نعمان بن عجلان انصاری عامل در بحرین، قیس بن سعد انصاری عامل در مصر قرطه بن کعب انصاری به عنوان امیر و عامل در بهقبادات و کوفه. (طبری، ۱۳۵۲: ۳۶/۲) وی به مالک اشتر می گوید: "سپس در امور کارگزارانت ژرف بنگر و بر مبنای اهمیت درست به کارشان بگمار.".

فنون جنگ و آرایش نظامی

از جمله مواردی که در آرایش نظامی اهمیت ویژه داشت، قرار گرفتن گروهی از جاسوسان و عیون در پیشاپیش و مقدمه و طلا به لشکرها و ستون های نظامی بود. ابن خلدون ضمن گزارش بخشی از خطبه های حضرت علی علیه السلام در صفین، از آنها به نام اصول «علم الحرب» و آموزش دانش جنگ یاد نموده است. (ابن خلدون، ۱۳۶۹: ، ۴۸۷)

دادرسی و بازرسی کارگزاران

نامه های زیادی درباره مؤاخذه کارگزاران و عمال از جانب آن حضرت علیه السلام صادر شد از جمله نامه حضرت علی علیه السلام به قاضی شریح در تنظیم سند برای خانه ای بود که به هشتاد دینار خرید. نامه به اشعث بن قیس، والی امام در آذربایجان به علت

خیانت در بیت المال، نامه به عبدالله بن عباس عامل حضرت در بصره و نامه به زیاد درباره خیانت او به اموال مسلمین از شمار این نامه هاست. از ویژگی های حضرت علی علیه السلام نفی عمال عثمان است که از خانواده بنی امیه بودند. ایشان در آغاز خلافت، کارگزاران عثمان در شهرها را عزل کرد. (یعقوبی، ۱۳۵۴: ۸۷/۲) در دوره چهار ساله خلافت، سیاست حضرت علی علیه السلام در نفی و طرد کسانی که از مسیر عدالت خارج شده بودند استمرار داشت و مارقین و ناکتین و قاسطین از حوزه حکومتی علوی خارج بودند.

دیوان جند شرطه و شرطه الخمیس

عمر نخستین کسی بود که تشکیلات عسس یا پاسداران شب را تأسیس کرد و حضرت علی (ع) اولین شخصی بود که تشکیلات شرطه را در نظام اداری پایه گذاری کرد. نظام شرطه به عنوان یک سازمان برای حفظ امنیت و نظم، به نام شرطه الخمیس ایجاد شد (موسوی، ۱۳۸۹: ۱۷۵). اعضای شرطه الخمیس با امام علی (ع) بیعت کرده بودند که تا آخرین لحظه ی زندگی و تا دم مرگ با ایشان باشند (امینی، ۱۹۷۶: ج ۳/ ۱۲۱)، لذا در سخت ترین شرایط حکومتی امام، به او وفادار بودند. تعداد اعضای شرطه الخمیس را شش یا پنج هزار نفر ذکر کرده اند (مجلسی، بی تا: ج ۴۲/ ۵۱). به رئیس شرطه ها، صاحب الشرطه گفته می شد؛ که از آنها می توان قیس بن سعد بن عباده (همان)، معقل بن قیس ریاحی و... را نام برد.

از مهم ترین وظایف شرطه الخمیس می توان دستگیری مجرمان، انجام تدابیر لازم در پیشگیری از وقوع جرایم، حفظ نظم و امنیت عمومی و پاسداری از اموال مردم و حقوق آنان را نام برد.

نتیجه گیری

اگرچه ایجاد سازمانهای اداری در صدر اسلام از زمان تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر (ص) مخصوصا در مدینه شکل گرفت و دیوانها و نهادهایی را ایشان پایه گذاری کردند اما به طور ویژه برای شکل دادن به دستگاه پیچیده کشورداری اسلامی، به زیر ساخت ها و بنیان هایی نیز احتیاج بود. در دوره خلفای راشدین اقداماتی برای سر و سامان دادن به امر اداری صورت پذیرفت

بعد از رحلت پیامبر (ص) صحابه (نسل اول مسلمانان)، اجماع را مهم ترین مستند برای مشروعیت نظام اداری، به ویژه خلافت ابوبکر دانستند. لذا ابوبکر از همان آغاز جمعیتی از صحابه (مجلس صحابه) را بعنوان مشاور انتخاب کرد و سپس به ایجاد مهم ترین اصل نظام اداری یعنی شورا پرداخت منظور از شورا تبادل آرا به منظور اتخاذ تصمیم درست در مسائل اساسی جامعه اسلامی بود.

با انتخاب ابوبکر به عنوان خلیفه برای نخستین بار منصب خلافت و مقام خلیفه ایجاد گردید. که سه نشان اختصاصی داشت برده (عبا)، خاتم (مهر تهیه شده در انگشتی) و عصا (نوعی چوب دستی)، هسته ی اولیه تأسیس بیت المال در دوران خلافت ابوبکر شکل گرفت

در دوره عمر بن خطاب از آنجا که مسلمانان تا این زمان، سابقه مملکت‌داری چندانی نداشتند، برای اداره این قلمرو گسترده، ثبت و ضبط اموال و غنایم و همچنین خراجی که از سرزمین‌های مفتوحه به بیت‌المال می‌رسید به تجربیات چند صد ساله دیوان سالاران ایرانی نیازمند شدند.

دبیران ایرانی که یکی از طبقات مهم و کارآمد دوره ساسانی بودند، از جمله کارگزاران بودند که در حکومت رو به گسترش اسلامی به کار گمارده شدند. تقسیم سرزمین عراق به دوازده استان و شصت «طسوج»، از جمله آن تقسیماتی بود که در دوره عمر بن خطاب شکل گرفت. وی نخستین حاکم مسلمانی بود که دیوان را در اسلام تشکیل داد و برای افراد مقرری تعیین کرد. این کار در محرم سال ۲۰ صورت گرفت. اولین دیوانی که در زمان عمر تأسیس شد دیوان خراج یا استیفا بود، و سپس دیوان جیش ایجاد گردید.

در دوره عثمان برای نخستین بار نظام گزینش کارگزاران ایجاد گردید بدین ترتیب که قریشی بودن و عضویت در گروه بنی امیه ملاک گزینش گردید.

در دوره امام علی(ع)، بارزترین اقدام جهت تشکیلات اداری عملکرد ایشان در افشاگری علیه کارگزاران ستم کار دولتی است. در در همین راستا نامه‌ها و مکاتبات اداری وی به مالک اشتر نشان از اهمیت تشکیلات اداری و بنیان عدالت دارد. ابن مجموعه با عنوان سند جاودان اداری برای دولت‌ها در طول تاریخ مانده است. امام، دو شیوه را در برکنارکردن کارگزاران به کار گرفت: برکناری یا اصلاح کارگزاران امام، با این روش نشان داد که کارها را برابر اندیشه و خرد و مصالح امت اسلامی و احترام به انسانهای خدمتگزار و پاس جایگاه کسان، سامان می‌دهد. گام بعدی امام اصلاح دقیق و برنامه ریزی شده ساختار اداری و طرح نو در افکندن در ساختار اداری بود. در همین راستا بیت القصص (دیوان مظالم)، دیوان اشراف، دیوان شرطه، زندان و اداره بایگانی اسناد و مدارک را ایجاد کرد.

منابع و ماخذ

- ۱- ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۴.
- ۲- ابن عساکر، علی، ترجمه الامام زین العابدین، ارشاد، تهران، ۱۳۷۹.
- ۳- وائلی، احمد، احکام زندان در اسلام، ترجمه و توضیحات محمدحسن بکائی، تهران ۱۳۶۷.
- ۴- ابن خلدون، عبدالرحمن بن خلدون، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، چ ۱۵، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۹.
- ۵- ابن اعثم کوفی، احمد بن محمد بن علی، الفتوح، ترجمه محمدحسن مستوفی هروی، جلد ۱۴، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳.
- ۶- ابن جوزی، عبدالرحمان، آفة اصحاب الحدیث، به کوشش سید علی میلانی حسینی، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه؛ همو، تلخیص ابلیس، بیروت، ۱۳۸۸.

۷- اجتهادی، ابوالقاسم، بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین، سروش، تهران، ۱۳۶۳ ش.

۸- امینی، عبدالحسین، الغدیر، مترجم زین العابدین قربانی، ج ۵، تهران: مؤسسه فرهنگی نبأ، ۱۳۵۸.

۹- ابن اثیر، عزالدین علی، تاریخ الکامل، تصحیح سید محمد حسین روحانی، انتشارات کتب ایرانی، تهران، ۱۳۸۶.

۱۰- ابن طقطقی (طباطبا)، محمد، تاریخ فخری، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰.

۱۱- ابن عساکر، علی، ترجمه الامام زین العابدین، ارشاد، تهران، ۱۳۷۹.

۱۲- انوری، حسن، اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی، طهوری، تهران، ۱۳۷۳.

۱۳- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ترجمه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۷.

۱۴- ابن کثیر، محمد، مختصر تفسیر ابن کثیر، مشخصات نشر، سراوان: نشر سروچ، ۱۳۹۰.

۱۵- ابن عبدالبریه، یوسف بن عبدالله، الإستیعاب فی معرفه الأصبحاب، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۳۷۱.

۱۶- باسورث، ادموند، سلسله های اسلامی، ترجمه بدره ای، انتشارات باز، تهران، ۱۳۷۰.

۱۷- باقر الموسوی، محسن، مدیریت و نظام اداری از دیدگاه امام علی علیه السلام نوشته محسن باقر موسوی، انتشارات به نشر از کتابچی، ۱۳۸۹.

۱۸- جهشیاری، ابو عبدالله محمد بن عبدوس، کتاب الوزراء والکتاب، ترجمه ابو الفضل طباطبایی، تهران، چاپ تابان، ۱۳۴۸.

۱۹- جعفریان، عبدالرسول، و خیراندیش، تاریخ اسلام و دولتهای مسلمان، سمت، ۱۳۷۷.

۲۰- حسن ابراهیم، حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد ۱ و ۲، انتشارات جاویدان، ۱۳۷۳.

۲۱- حتی، فیلیپ خوری، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تبریز، ۱۳۴۴.

۲۲- خواجه نظام الملک، سیاست نامه (سیرالملوک)، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۶۴.

۲۳- خنجی، فضل بن روزبهان، سلوک الملوک، ترجمه محمد علی موحد، خوارزمی، تهران، ۱۳۶۲.

۲۴- خوارزمی، ابوبکر، رسایل، نشر آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۴.

۲۵- زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلامی، ترجمه علی جواهرکلام، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۶۹.

- ۲۶- ذاکری، علی اکبر، اصلاح ساختار اداری در حکومت علوی، مجله حوزه، شماره ۱۰۱- ۱۰۲، اسفند ۱۳۹۷.
- ۲۷- شهیدی باک، محمد، عنوان تاریخ تشکیلات در اسلام، تهران، سمت، ۱۳۹۳.
- ۲۸- طبری، محمدابن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲، تهران، بنیاد فرهنگ، ۱۳۵۵.
- ۲۹- علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، منشورات شریف الرضی، قم، ۱۳۸۰.
- ۳۰- فیرحی، داوود، نظام سیاسی ودولت در اسلام، نشریه علوم سیاسی، ش ۱۵، ۱۳۸۰.
- ۳۱- قلقشندی، مآثر الاناقه فی معالم الخلفه، عالم الکتاب، ۱۳۷۹.
- ۳۲- کتانی، عبدالحی، نظام اداری مسلمانان صدر اسلام، ترجمه قراگزلو، ۱۳۸۴.
- ۳۳- کریستین سن، آرتور امانوئل، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه ی رشید یاسمی، تهران، ۱۳۶۴.
- ۳۴- ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد؛ الاحکام السلطانیه و الولايات الدینییه، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا،
- ۳۵- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، دوم، بی تا.
- ۳۶- نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، نامه ۷۵، نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی نبأ، ۱۳۹۳
- ۳۷- یعقوبی، ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، جلد ۱ و ۲، ۱۳۷۱.
- ۳۸- نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، نامه ۷۵، نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی نبأ، ۱۳۹۳